



University of Tehran press

Analysis of the elements of non-standard communication in the translated stories related to the children age group based on cognitive pragmatics



Ramin Yarmohamadi Khameneh\*

Department of linguistics, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Email: yarmohamdi.ramin@yahoo.com

ORCID 0000-0003-2672-0500



Maryam Iraj\*\*✉

Department of linguistics, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Email: miraji180@gmail.com

ORCID 0000-0001-7026-7606



Jinuss Shirvan\*\*\*

Department of linguistics, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Email: jin.shirvan@iauctb.ac.ir

ORCID 0000-0003-2914-7885

ABSTRACT

Stories play an important role in forming behaviors and developing talents of children. However, relatively few linguistic studies have been conducted on the stories related to the children age group. The present study has addressed the newly translated amazing stories of this age group based on cognitive pragmatics. The statistical population of this study included three translated books, which have been fully reviewed to achieve accurate and reliable results. Therefore, for the analysis of these books, sentences were not sampled and the statistical sample is the same as the statistical population. The results of qualitative analysis showed that in the communication process, it is not always possible to expect that the standard five-stage sequence including expression, understanding the speaker's meaning, effect, reaction and response generation is formed, but in most cases, communication is formed in a non-standard format and the child in this non-standard process gets acquainted with different communication elements, especially in the abstract dimension. Cognitive elements such as anger, happiness, resort to force, fear, mischievousness, etc. are conveyed to the child in the form of non-standard communications non-expressively. Therefore, translators, writers and readers of these stories should consider the elements that are conveyed to children non-expressively. The study results showed that many cognitive elements such as fear, anger and happiness are conveyed to children non-expressively.

DOI: 10.22059/JFLR.2022.346719.978

ARTICLE INFO

Article history:

Received: 15 August 2022

Accepted: 20 October 2022

Available online: winter 2022

Keywords:

Children age group, cognitive pragmatics, children's literature, translation of amazing stories, non-expressive interaction.



Yarmohamadi Khameneh, R., Iraj, M., & Shirvan, J. (2023). Analysis of non-standard communication of translated Children's Stories from the Perspective of Cognitive Pragmatics. *Journal of Foreign Language Research*, 12 (4), 458-472.

\* Lecturer at Islamic Azad University, 10 years of teaching experience in the field of foreign languages, his favorite research field is translated texts and linguistics.

\*\* 12th grade assistant professor of Linguistics at Islamic Azad University, research field on linguistics of literature and literary stories

\*\*\* Assistant Professor of Linguistics at Islamic Azad University, her favorite research field is the linguistic study of Iranian dialects

## واکوی عناصر ارتباط غیراستاندارد در داستان‌های ترجمه‌شده گروه سنی نونهال براساس دیدگاه کاربر‌دشناسی شناختی



### رامین یارمحمدی خامنه\*

گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاداسلامی، تهران، ایران

Email: yarmohamdi.ramin@yahoo.com


 0000-0003-2672-0500



### مریم ایرجی\*\*

گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاداسلامی، تهران، ایران

Email: miraji180@gmail.com


 0000-0001-7026-7606



### ژینوس شیروان\*\*\*

گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاداسلامی، تهران، ایران

Email: jin.shirvan@iauctb.ac.ir

 0000-0003-2914-7885

### چکیده

داستان‌ها نقش مهمی در شکل‌دهی به رفتار کودکان و رشد استعداد آنها ایفا می‌کنند. با وجود این، مطالعات زبان‌شناختی نسبتاً کمی درباره داستان‌های گروه سنی نونهال انجام شده است. پژوهش حاضر با تکیه بر دیدگاه کاربر‌دشناسی شناختی به مطالعه داستان‌های شگفت‌انگیز نو ترجمه شده این گروه سنی می‌پردازد. جامعه آماری این پژوهش سه کتاب ترجمه شده است که برای دستیابی به نتایجی دقیق و قابل اعتماد متن هر سه کتاب به صورت کامل بررسی شده‌اند. بنابراین، در تحلیل این کتاب‌ها نمونه‌گیری از جملات صورت نگرفته و نمونه آماری همان جامعه آماری است. نتایج بر مبنای تحلیل کیفی حاکی از آن است که در فرایند ارتباطی همیشه نمی‌توان انتظار داشت که توالی پنج مرحله‌ای استاندارد شامل بیان، درک منظور گوینده، تأثیرگذاری، واکنش و تولید پاسخ شکل گیرد، بلکه در بیشتر موارد ارتباطات در قالب غیراستاندارد شکل گرفته و کودک در این فرایند غیراستاندارد با عناصر ارتباطی متفاوتی به‌ویژه در بعد انتزاعی آشنا می‌گردد. عناصر شناختی همچون عصبانیت، شادی، توسل به زور، ترس، شیطنت و مواردی از این دست در قالب ارتباط غیراستاندارد و به شیوه غیرکلامی به کودک منتقل می‌شوند. بنابراین، مترجمان، نویسندگان و خوانندگان این داستان‌ها، باید به عناصری که به شیوه غیرکلامی به کودک انتقال می‌یابند، توجه نشان دهند، نتایج این تحقیق حاکی از انتقال بسیاری از عناصر شناختی مانند ترس، خشم و شادی به شیوه غیرکلامی به کودکان است.

### اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۸

تاریخ انتشار: زمستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: علمی پژوهشی

### کلید واژگان:

گروه سنی نونهال، کاربر‌دشناسی شناختی، ادبیات کودک، ترجمه داستان‌های شگفت‌انگیز نو، ارتباط غیرکلامی

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/JFLR.2022.346719.978



یارمحمدی‌خامنه، رامین، ایرجی، مریم، و شیروان، ژینوس. (۱۴۰۱). واکوی عناصر ارتباط غیراستاندارد در داستان‌های ترجمه شده گروه سنی نونهال براساس دیدگاه کاربر‌دشناسی شناختی. *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*, ۱۲(۴)، ۴۵۸-۴۷۲.

Yarmohamadi Khameneh, R., Iraj, M., & Shirvan, J. (2023). Analysis of non-standard communication of translated Children's Stories from the Perspective of Cognitive Pragmatics. *Journal of Foreign Language Research*, 12 (4), 458-472.

\*مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۰ سال سابقه تدریس در رشته زبان‌های خارجی، زمینه پژوهشی مورد علاقه متون ترجمه شده و زبان‌شناسی

\*\*استادیار رشته زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، زمینه پژوهشی مورد علاقه بررسی زبان‌شناختی ادبیات و داستان‌های ادبی

\*\*\*استادیار رشته زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، زمینه پژوهشی مورد علاقه بررسی زبان‌شناختی گویش‌های ایرانی

داستان‌ها ابزاری برای رشد استعداد، شکوفایی خلاقیت (میرکرمانشاهی، ۱۳۸۳) و توسعه مهارت‌های زبانی کودکان به شمار می‌آیند (ایزبل و همکاران، ۲۰۰۴). کودک نه تنها از جستجو و درک معنا در داستان‌ها لذت برده (امیری خراسانی و صدری‌زاده، ۱۳۹۷) بلکه از آنها برای ابراز خود و یادگیری در مورد جهان پیرامونش استفاده می‌کند (سویر و ویلیس، ۲۰۱۱). هر داستان پر است از معنایی که نویسنده قصد انتقال آنها را به مخاطب خود دارد. بنابراین، لازم است شیوه برقراری ارتباط با این گروه از مخاطبان را شناخت تا این معناها با تعابیری نادرست به وی منتقل نگردند. هدف متون ادبی کودک ایجاد ارتباط با کودک است؛ این که اثری با کودک پیوند و ارتباط برقرار می‌کند و کودک با واکنش عینی خویش نشان می‌دهد که این اثر متعلق به اوست، بی‌تردید بیانگر آن است که به نیازی از نیازهای او پاسخ داده است. به بیان خلاصه، ادبیات کودک چیزی است که در کودک حضور دارد و با هستی او درهم‌تنیده است (خسرونژاد، ۱۳۸۴).

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های پژوهشی مربوط به فرایندی است که طی آن کودکان اطلاعات زبانی پیچیده در یک داستان را درک می‌کنند؛ این حوزه درصدد پاسخگویی به سؤالات روان‌شناسان، معلمان و والدین در مورد آموزه‌های منتقل شده از کتاب‌های داستانی به کودکان است. بررسی‌های زبان‌شناختی نشان می‌دهند که مطالعه داستان‌ها به دلیل داشتن اطلاعات مربوط به قوانین اخلاقی، ارزش‌ها و آداب و رسوم اجتماعی، اهمیت دارند. از این رو، تحلیل‌های کمی و کیفی مختلفی از محتوا و ساختار داستان‌های مختلف انجام گرفته است؛ نتایج حاکی از تنوع و تفاوت بسیار در معنا و در مقابل شباهت بیشتر در ساختار داستان‌ها است (استین، ۱۹۸۷). رویکردهای زبان‌شناسی هر یک الهام‌بخش روشی جدید در نگرش به فرایندهای ساخت معنا و تفسیر متون ادبی بوده‌اند. خوانش متن ادبی

تجربه‌ای پویا به شمار می‌آید؛ اینکه هر پاره‌گفتار را چه کسی و در چه سطحی از روایت داستانی (نویسنده، راوی، شخصیت) باز می‌گوید و از سوی دیگر هر پاره‌گفتار از دید چه کسی مشاهده می‌شود؛ به بیان دیگر گوینده و دریافت‌کننده هر پاره‌گفتار کیست. این نشان می‌دهد که خواننده متن ادبی با فرافکنی ذهن خود در متن غوطه‌ور می‌شود و مسائل را از دیدگاه راوی یا شخصیت‌های متن می‌بیند (شیرازی عدل و ساسانی، ۱۳۹۲). در این راستا و با توجه به اهمیت مطالعات زبان‌شناختی، یکی از مهم‌ترین دیدگاه‌ها که به تعبیر معنا در متن می‌پردازد، دیدگاه کاربردشناسی شناختی است.

این دیدگاه را در گام نخست می‌توان حوزه‌ای دانست که با ارتباط دوسویه میان کاربردشناسی و علوم‌شناختی سروکار دارد. با توجه به اینکه کاربردشناسی به معنا در بافت می‌پردازد، بنابراین کاربردشناسی شناختی بر جنبه‌های شناختی تعبیر معنا در بافت تمرکز دارد که به تولید و درک زبان مربوط می‌شود، و رابطه مستقیمی با یکی از سؤالات مهمی دارد که کاربردشناسی درصدد پاسخ بدان است: چه توانایی‌ها و فرایندهای شناختی برای رسیدن به «آنچه گفته می‌شود و باید گفت» مورد نیاز است تا بتوان «آنچه که مقصود است» را رساند و به «آنچه که مقصود است» برپایه «آنچه که گفته می‌شود»؟ دست یافت (اشمید، ۲۰۱۱). این برداشت از کاربردشناسی شناختی تا حد زیادی منطبق با گفته‌های بار (۲۰۱۱) است؛ به گفته او این رشته «مطالعه حالات ذهنی افرادی است که مشغول ارتباط‌اند». وقوع فرایندهای علوم‌شناختی در ذهن هر فرد، آنها را تا حد چشمگیری منحصر به فرد می‌کند، در مقابل، فرایندهای کاربردشناسی وابسته به متن هستند و هدف آن به‌طور کلی شناسایی اصول و فرایندهای شناختی-کاربردی است که زیربنای تعبیر معنا در بافت را تشکیل داده و آن را تعیین می‌کند (هورن و وارد، ۲۰۰۴).

متون ادبی کودک از دیدگاه‌های مختلف بررسی شده‌اند؛ از جمله، ادبیات پایداری، تعلیمی، تربیتی و اخلاقی،

بن‌مایه‌ها و مفاهیم ادبیات کودک مثل خشونت و مدارا، بعد حماسی، برنامه درسی زبان و ادبیات انگلیسی، مفاهیم فلسفی، عناصر فانتزی و به وفور از دیدگاه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناختی؛ که به وضوح خلاء بررسی‌های زبان‌شناختی و نظریه‌های این علم در بررسی متون ادبی کودک مشهود است. ضرورت توجه به این متون از آن حیث است که پایه‌های فکری آدمی در سنین پایین پایه‌ریزی می‌شود. بدین ترتیب، مطالعات مرتبط با کودکان در گروه‌های سنی متفاوت از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد و تحلیل فرایندهای زبان‌شناختی مرتبط، زمینه‌ساز ارائه آثاری درخورتر و مؤثرتر خواهد بود. با وجود این اهمیت، بررسی داستان‌های کودکان به‌ویژه گروه سنی نونهال در پیشینه مرتبط با این گروه سنی مغفول مانده است. با توجه به اهمیت داستان‌ها و کمبود مطالعات زبان‌شناختی در این حیطه، مطالعه حاضر در پی بررسی زبان‌شناختی داستان‌های ترجمه شده گروه سنی نونهال بر مبنای دیدگاه کاربردشناسی‌شناختی و پاسخ به این سؤالات است که (۱) بر مبنای دیدگاه کاربردشناسی‌شناختی، داستان‌های گروه سنی نونهال عمدتاً مبتنی بر چه نوع فرایند ارتباطی زبان‌شناختی است؟ (۲) چه نوع ارتباط غیراستانداردی در داستان‌های گروه سنی نونهال بیشتر به چشم می‌خورد؟ (۳) چه عناصر شناختی در داستان‌های گروه سنی نونهال بر مبنای تعبیر معنا در بافت به آنان انتقال می‌یابد؟

## ۲- پیشینه پژوهش

### دیدگاه کاربردشناسی‌شناختی

ارتباط، نوعی فعالیت اجتماعی حاصل از تلاش متقابل حداقل دو مخاطب است که در جهت معنا بخشیدن به تعاملات خود، با یکدیگر همکاری می‌کنند. دیدگاه کاربردشناسی‌شناختی حالت‌های شناختی افراد را هنگام برقراری ارتباط بررسی می‌کند. در حقیقت عمده توجه به- جای ساختار صوری پیام بر عملکرد شناختی افراد است (مولک-کزاکوسکی، ۲۰۱۴؛ توماسلو، ۲۰۰۹). متفاوت از سایر گونه‌ها، ارتباط انسان‌ها مبتنی بر دو ذهن قدرتمند

است که اگر یکی از این دو یا هر دو کارایی خود را از دست بدهند، مفهومی از ارتباط باقی نمی‌ماند. از این جهت ارتباط انسان‌ها با یکدیگر علی‌رغم وجود شباهت‌های ناچیز، از دیگر گونه‌ها متمایز است (ککسکس، ۲۰۰۰). بررسی ارتباط با در نظر گرفتن عناصر شناختی، شرایط را بسیار پیچیده می‌کند. برای مثال از دیدگاه زبان‌شناختی معنای نقل‌قول‌های غیرمستقیم را نمی‌توان به‌طور مستقیم به دست آورد. این مراحل به حدی پیچیده‌اند که حتی می‌توانند گفتگوهای معمولی پیش پا افتاده را نیز با مشکل روبه‌رو سازند. نقطه عطف در دیدگاه کاربردشناسی‌شناختی این است که نه تنها توان ارتباطی، بلکه عملکرد ارتباطی را نیز باید در نظر گرفت که بدین طریق، پنج مرحله منطقی وابسته به هم در ارتباط وجود دارد (شکل ۱):

مرحله اول: عمل بیان؛ زمانی که حالت ذهنی مخاطب الف از طریق آغاز واکنش مفهومی به مخاطب ب شکل می‌گیرد. مرحله دوم: منظور گوینده؛ زمانی که ب نیت و منظور الف را دریافت می‌کند.

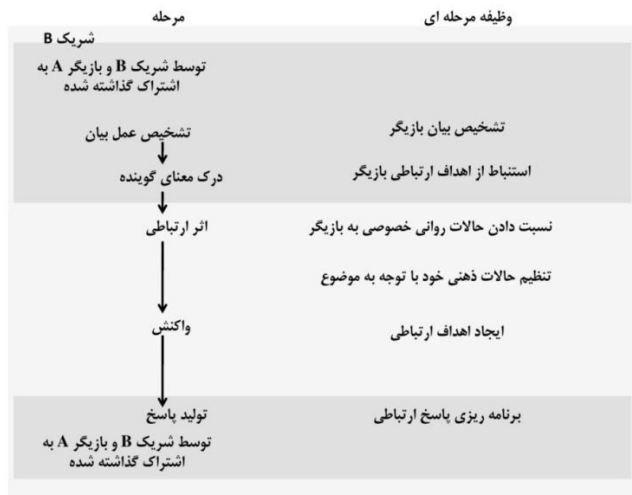
مرحله سوم: تأثیر که شامل دو مورد زیر است:

الف) نسبت دادن؛ زمانی که ب حالت ذهنی خود مثلاً عقاید و اهدافش را به الف نسبت می‌دهد.

ب) تطبیق؛ زمانی که در نتیجه گفتار الف حالت ذهنی ب در مورد موضوع مکالمه تغییر می‌یابد.

مرحله چهارم: واکنش؛ زمانی که ب با پاسخی که می‌دهد در پی دستیابی به هدفی است.

مرحله پنجم: پاسخ؛ که در آن ب پاسخی واضح و گویا می‌دهد (بارا، ۲۰۱۱).



شکل ۱: مراحل کنش ارتباطی (بارا، ۲۰۱۱)

### ارتباط غیراستاندارد

مراحل ذکر شده در بخش قبل فرایند تولید پاسخ را در شرایطی توضیح می‌دهد که تحت عنوان ارتباط استاندارد شناخته شده است. اما در موارد بسیاری شاهد عناصری متفاوت از فرایند ارتباط استاندارد هستیم که این عناصر ذیل چهار عنوان طبقه‌بندی شده‌اند.

۱. تعامل غیرکلامی؛ استفاده از مطلبی بدون بیان حالت ذهنی مربوط بدان که شواهد بسیاری در مورد تأثیر قابل توجه آن به‌عنوان پایه رشد زبانی و عوامل شناختی مانند مهارت بیانی و نیز ارتباط آن با تعامل شفاهی وجود دارد (ماندی و همکاران، ۱۹۸۸؛ فبریانینی و همکاران، ۲۰۲۱).

۲. بهره‌برداری/وارون‌گویی؛ استفاده از گفتاری با معنای ضمنی متفاوت از معنای ظاهری برای تأثیرگذاری متفاوت بر مخاطب مثلاً طنز، طعنه و کنایه به‌عنوان شکلی رایج و جذاب از ارتباطات انسانی که گاه صرفاً ابزاری زبان‌شناختی به حساب آمده و از نظر ساختاری و عملکردی مورد توجه روان‌شناسان ارتباطات است. از دیدگاه ساختاری مبتنی بر هم‌افزایی رمزهای کلامی و غیرکلامی مختلف است (آنولی، سیسری و اینفانتینو، ۲۰۰۰؛ دارماون و فیلیانج، ۲۰۱۵).

۳. فریب؛ تلاش جهت انتقال یک حالت ذهنی که در حقیقت وجود ندارد. فریب به‌عنوان عملی ارتباطی در تلاش برای ایجاد باوری است که منبع آن نادرست در نظر گرفته

می‌شود خواه با ایجاد باوری اشتباه خواه با تغییر باور موجود به حالتی اشتباه. در این حالت مخاطب مورد نظر با کنترل اطلاعات یا انتقال پیام‌ها به شیوه کلامی و غیرکلامی فریب داده می‌شود (بولر و همکاران، ۱۹۹۴؛ لویس و جورج، ۲۰۰۸).

۴. ناکامی یا شکست؛ تلاش ناموفق برای رسیدن به تأثیرگذاریمورد نظر در مخاطب که ممکن است با گفتار ناقص، کمتر یا بیشتر از آنچه که باید گفته شود یا سوءتفاهم، رخ دهد. کشف این عنصر ارتباطی غیراستاندارد در مقایسه با سه عنصر قبل، بسیار دیرتر در نظریه‌های ارتباطی صورت گرفت (ولادوتسکو، ۲۰۱۴).

هر یک از چهار مورد ذکر شده، جایگاه خاص خود را در چهارچوب فرایند انتقال پیام دارند. تعامل غیرکلامی، وارون‌گویی (گفتاری با معنای ضمنی متفاوت مانند طعنه و کنایه) و فریب در سه مرحله اول رخ می‌دهند. در مرحله اول -درک گفتار- تنها خط سیر غیراستانداردی که ممکن است گوینده از آن پیروی کند و شنونده باید آن را شناسایی نماید، تعامل غیرکلامی است. در مرحله دوم یعنی مرحله درک معنای گفتار گوینده، تمام برداشت‌های غیراستاندارد نمونه‌ای از وارون‌گویی هستند. مرحله سوم که آن را اثر ارتباطی می‌نامیم، مرحله‌ای است که فریب رخ می‌دهد. فریب در رابطه با ارتباط بین پیامی که گوینده منتقل می‌کند و حالت ذهنی وی است. در نهایت، ناکامی که ممکن است در هر مرحله‌ای رخ دهد. برای روشن شدن این مطلب در ادامه توضیحی ارائه می‌شود.

فرض کنید «ب» به «الف» می‌گوید که همسرش قصد زیر گرفتن زنی را داشته که می‌خواسته با او ازدواج کند؛ و «الف» چنین پاسخ می‌دهد؛ همسرت قطعاً فردی است که مسائل را سخت نمی‌گیرد.

آنچه که این گفته را وارون‌گویی با حالتی طنزگونه می‌سازد این واقعیت است که هر دو نفر، یعنی «ب» و «الف» دیدگاه مشترکی دارند که در تضاد با آنچه است که در واقع بیان شده است. این امر از کاربرد قانونی که در انتقال پیام به صورت پیش‌فرض وجود دارد، جلوگیری می‌کند. مثال ذکر

شده یکی از شیوه‌های استفاده از اشتراک است. نکته آن است که قصد وارون‌گویی زنجیره استاندارد را در قوانینی که استفاده می‌شود، تغییر نمی‌دهد بلکه فقط شیوه‌ای است که از قوانین استفاده می‌کند. به بیان دیگر، قوانین معمولاً به شیوه‌ای متضاد از معنای اصلی برای انتقال پیام استفاده می‌شوند. به نقل از گرایس (۱۹۸۹) این به معنای وجود اصل وارون‌گویی است: گفتار  $p$  و معنای به جز آن یا  $non-p$ ؛ البته گرایس تحلیل سنتی از وارون‌گویی را بدین طریق توصیف می‌کند: استعاره‌ای که براساس کنایه است، به بیان ساده، گفتاری که قصد آن متضاد ظاهر آن است. مورگان (۱۹۹۰) بیان می‌دارد که هیچ کس توضیح نداده است که چرا معنی گفتار  $p$  باید همانند خود گفتار تفسیر شود و نه مانند یک سخن کذب. مورگان طنز را پنداری آشکار می‌داند: گوینده چیزی را می‌گوید که تظاهر می‌کند باور دارد، درحالی‌که آن را با استفاده از تعامل غیرکلامی و فرازبانی، غیرواقعی می‌داند. وی وارون‌گویی را ابهامی گمراه‌کننده تعریف می‌کند. دیدگاه کاربردشناسی‌شناختی عمدتاً براساس دانش اشتراکی برای توضیح این مسئله است که چگونه گویندگان و شنوندگان متوجه می‌شوند که گفتار ذکر شده واقعی نیست.

در رابطه با وارون‌گویی باید گفت که «الف» گفتار  $p$  را تولید می‌کند که مغایر با حالت ذهنی اوست. وی باور دارد که دانش  $I$  را با شنونده به اشتراک گذاشته است. در نهایت، قصد وی برخلاف گفتار  $p$  با پیش‌زمینه دانش  $I$  است. گفتار گوینده یا در بین افرادی که دانش  $I$  را دارند به اشتراک گذاشته می‌شود و بنابراین قصد وارون‌گویی را درک می‌کنند و یا با افرادی به اشتراک گذاشته می‌شود که چنین دانشی را ندارند، در این حالت قادر به درک منظور واقعی وی نخواهند بود. رابطه (۱) این حالت را نشان می‌دهد؛

$$(1) \text{BEL}_A p \neq r \\ \text{BEL}_A \text{SH}_{BA} r \\ \text{EXPRESS}_A p \\ \text{CINT}_A \text{SH}_{BA} p \neq r$$

در رابطه (۱) از آنجا که «الف» متقاعد شده است که  $p$  مغایر با  $r$  است و تصور می‌کند که دانش یا باور  $r$  با «ب» مشترک

است، وی  $p$  را به حالت وارون‌گویی برخلاف پیش‌زمینه  $r$  می‌گوید. همه انواع وارون‌گویی از جمله کنایه‌ها، در دامنه این چهارچوب کلی قرار می‌گیرند. تمام چیزی که مورد نیاز است آن است که مفاهیم ساده و پیچیده فراخوانی شوند. وارون‌گویی ساده زمانی است که شنونده منظور گوینده را سریعاً درک می‌کند و مستقیماً از گفتار به هدف اصلی می‌رسد. وارون‌گویی پیچیده زمانی است که شنونده برای درک منظور گوینده باید استنباط‌ها یا برداشت‌های متفاوتی نماید (بارا، ۲۰۱۱).

در کاربردشناسی‌شناختی، فریب نقض آگاهانه پیش‌فرض‌های فرایند ارتباطی است. گرچه «الف» می‌داند که باید به شیوه مشخص عمل نماید تا قوانین را رعایت کند، وی طبق کنشی عمل می‌کند که «ب» را به این باور برساند که انتقال پیام به حالت عادی با رعایت قوانین در حال انجام است. در حالت شناختی این وضعیت را می‌توان با رابطه (۲) نشان داد. فریب در زمان  $t_1$  صورت می‌گیرد: باورها و حالت ذهنی پیش از گفتار در زمان  $t_0$  و نتایج بعدی گفتار در زمان  $t_2, t_3, \dots, t_n$  نشان داده شده‌اند.

$$(2) t_0 \text{ BEL}_{A \text{non-}p} \\ t_1 \text{ CINT}_A \text{SH}_{BA} p \\ t_2 \text{ EXPRESS}_A p \\ t_3 \text{ BEL}_A \text{SH}_{BA} p$$

«الف» گفتار  $p$  را بیان می‌دارد گرچه خود آن را باور ندارد، قصد ارتباطی وی آن است که «ب» آن را میانشان مشترک بداند. اگر فریب عمل کند «الف» فرض می‌کند که «ب» گفتار  $p$  را مشترک فرض نموده است. از سوی دیگر، «الف» امیدوار است که «ب» گفتار  $p$  را باور کند و متقاعد شود که «الف» خود نیز گفتار  $p$  را باور دارد. «الف» خود را متعهد به بقیه تعامل به شیوه سازگار با باور به اشتراک گذاشته شده می‌نماید («ب» آن را مشترک می‌پندارد در حالی که «الف» آن را باور ندارد). از دیدگاه شناختی مشکل فریب آن است که باور شخصی ( $non-p$ ) و باور مثلاً اشتراکی  $p$  در فضای ملاحظه‌ای «الف» فعال است. این نوع شرایط ارتباطی غیراستاندارد به ارتباط بین حالت ذهنی «الف» که براساس آن پیام را منتقل می‌کند و حالات ذهنی

واقعی که وی دارد، می‌پردازد. تمام فریب‌ها ساختاری با پیچیدگی یکسان ندارد. در فریب ساده شنونده بی‌درنگ قادر به شناسایی چیزی است که گوینده قصد مخفی نمودن آن را دارد. فریب ساده را می‌توان تحت عنوان دروغ یا سخن کذب معرفی نمود. فریب پیچیده شامل تولید پیام  $q$  است که مستلزم باور ( $p$ ) است؛ در این حالت شنونده به سوی متفاوت از آنچه که وی باید بدان برسد، هدایت می‌شود، جهتی که اگر وی به باور شخصی «الف» ( $non-p$ ) دسترسی داشت می‌رسید. پیچیدگی بیشتر فریب نیاز به برنامه‌ریزی بیشتری دارد. پیچیده‌ترین فریب‌ها گاهی اوقات نیاز به دروغ یا جمله‌ای غیرواقعی دارند. برای موفق بودن، شنونده نباید به فریب پی‌ببرد، در غیراین صورت، وی واقعیت را بیان خواهد داشت یا برای مقابله با آن وانمود خواهد کرد که متوجه فریب نشده است (بارا، ۲۰۱۱).

در کاربردشناسی شناختی، ناکامی در انتقال پیام را می‌توان تلاشی نافرجام در تأثیرگذاری پیام بر شنونده دانست. از دیدگاه گوینده، این ناکامی در هر یک از سه سطح اول ممکن است رخ دهد: در سطح عمل گفتار، در سطح دریافت منظور گوینده و در سطح تأثیرگذاری پیام. گسست در هر مرحله از زنجیره انتقال پیام سبب بروز ناکامی در دستیابی گوینده به هدفش خواهد شد. در هر حال، سه نوع ناکامی ارتباطی وجود دارد: عدم‌درک، سوء تفاهم یا برداشت نادرست و امتناع. در ناکامی از نوع عدم‌درک، شنونده قادر به درک گفتار یا منظور گوینده نیست. گسست در زنجیره برداشت در سطح مکالمه و انتقال پیام رخ می‌دهد. در چنین حالتی، جریان معمول توالی مراحل گسسته شده و در مرحله پاسخ فعال می‌گردد. در مرحله پاسخ، گوینده تصمیم می‌گیرد که جواب ناکامی را به وضوح دهد، برای مثال با پرسیدن یا کنترل شرایط. هر کدام از این دو حالت را که شنونده انتخاب نماید، وی به ناکامی پی برده و انتخاب او کاملاً آگاهانه است. ناکامی از نوع عدم‌درک برای شنونده آشکار بوده و وی می‌داند که منظور گوینده را درک نکرده است. در حالت سوء تفاهم، شنونده قادر به درک گفتار یا

منظور گوینده به شیوه مد نظر گوینده نمی‌باشد. زنجیره برداشت، استنباط و نتیجه‌گیری مسیری متفاوت از آنچه که مد نظر گوینده بوده می‌گیرد. در نوع سوم یعنی امتناع، شنونده آنچه را که گوینده می‌گوید درک کرده اما از همراهی با وی امتناع می‌کند. در این مورد، حالت‌های ذهنی شنونده یا در فرایند اختیاری (با توجه به حالت‌های ذهنی گوینده) یا در فرایند تنظیمی (اصلاح حالت‌های ذهنی شنونده) درگیر شده و چیزی را در مسیری متفاوت از آنچه مورد نظر گوینده بوده پیگیری می‌کند. امتناع نمونه‌ای آشکار از ناکامی برای شنونده است، به این معنا که به تصمیم آگاهانه وی بستگی دارد (بارا، ۲۰۱۱؛ ولادوتسکو، ۲۰۱۴).

اسپریر و ویلسون (۱۹۹۵) اثر ارتباط را برحسب تلاش انجام گرفته برای برقراری ارتباط سنجیده‌اند و با ارتباط حاصل شده مقایسه نموده‌اند. آنها با ارائه شواهد بر این ایده تأکید دارند که هر انتقال پیامی معانی مهم و دلالت‌های حاصل از آن را منتقل می‌نماید و ناکامی را می‌توان هم از آنچه که بدان تلاش شده و هم آنچه که حاصل شده، دریافت. با این وجود، تئوری ارتباط هرگز فرضیاتی سیستماتیک را برای توضیح ناکامی‌های ارتباط و انتقال پیام ارائه نمی‌دهد. بوسیارلی، کولا و بارا (۲۰۰۳) طبقه‌بندی از انواع متفاوت ناکامی ارائه داده‌اند که بر مبنای ارائه ذهنی و فرایندهای شناختی است: ناکامی در عمل گفتار، ناکامی در دریافت منظور گوینده و ناکامی در تأثیر انتقال پیام. زمانی که ناکامی در گفتار رخ می‌دهد، شنونده قادر به درک ارزش واقعی گفتار نیست، زمانی که در دریافت منظور گوینده صورت می‌گیرد، شنونده قادر به درک قصد گوینده از انتقال پیام و برقراری ارتباط نیست و در نهایت زمانی که ناکامی در تأثیر انتقال پیام و اطلاع‌رسانی صورت می‌گیرد، شنونده قادر به اصلاح حالات ذهنی خود به شیوه مورد نظر گوینده نیست. براساس نوع ناکامی، گوینده شیوه متفاوتی را برای انتقال مجدد پیام انتخاب خواهد نمود. طبقه‌بندی ارائه شده، فرضیه‌هایی را در مورد دشواری نسبی در شناخت و اصلاح نوع متفاوت ناکامی ارائه می‌دهد. بر مبنای مباحث توضیح

		ناکامی	.
			.

### نمونه‌های مورد مطالعه

برای انتخاب کتاب‌های مورد مطالعه از میان انبوه کتاب‌های داستان کودک، از مقیاسی سه سطحی استفاده شد؛ در سطح اول پیشینه ادبیات کودک بررسی شد. ادبیات کودک در ایران در چهار دوه تاریخی قابل بررسی است؛ ایران باستان یعنی قبل از اسلام تا قرن هفتم میلادی، ظهور اسلام و مشروطیت یعنی از سال ۳۰ قمری تا ۱۳۲۴ قمری، عصر نوین ادبیات کودک از مشروطیت تا دهه ۳۰ شمسی و عصر درخشان ادبیات کودک از دهه ۴۰ شمسی به بعد (انصاری و فرزاد، ۱۳۹۷). از آنجا که هدف آن است که نتایج تحقیق حاضر برای عصر معاصر قابل استفاده باشند ادبیات کودک در عصر درخشان آن مورد توجه قرار گرفت. در سطح دوم ادبیات کودک مورد بررسی قرار گرفت تا در بین انواع مختلف بتوان نوعی را که متناسب با اهداف تحقیق حاضر است، انتخاب نمود. ادبیات کودک به پنج گروه کتاب‌های تصویری، شعر و نظم، قصه‌های فرهنگ عامه، داستان‌های شگفت‌انگیز نو و واقع‌گرایانه تقسیم می‌شوند. به دلیل آنکه در پژوهش حاضر هدف بررسی انواع ارتباط و تعامل با تأکید بر تعامل کلامی است گروه کتاب‌های تصویری کنار گذاشته شدند. شعر و نظم هم به دلیل استفاده از آرایه‌های مختلف چندان مناسب تحقیق حاضر شناخته نشدند، فرهنگ عامه نیز به دلیل تأثیرپذیری گسترده از زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در مقایسه با دو نوع داستان‌های شگفت‌انگیز نو و واقع‌گرایانه مناسب کمتری با اهداف تحقیق حاضر داشت. لذا در پایان، این دو گروه مبنای انتخاب برای گروه مشخصی از ادبیات کودک قرار گرفتند. جامعه آماری این پژوهش سه کتابی است که در جدول (۲) ذکر شده‌اند. برای انتخاب کتاب‌ها بررسی اولیه صورت گرفته تا کتاب‌هایی انتخاب شوند که از دیدگاه کاربردشناسی شناختی قابل بررسی می‌باشند. به منظور دستیابی به نتایجی دقیق و قابل اعتماد کل کتاب‌ها بررسی شده‌اند. بنابراین، در مطالعه متن کتاب‌های داستانی کودک نمونه‌گیری صورت نگرفته و نمونه آماری همان جامعه آماری است.

داده شده، سه عامل پیچیدگی ارائه ذهنی در درک پدیده کاربردشناسی را تعیین می‌کنند. این عوامل اشاره به مغایرت ارائه، بهره‌گیری از اشتراک و ظرفیت برداشت و استنباط دارند (بوسیارلی، کولا و بار، ۲۰۰۳).

### ۳- روش‌شناسی پژوهش

#### رویکرد و تحلیل داده‌ها

این مطالعه پژوهشی کیفی است که بر مبنای دیدگاه کاربردشناسی شناختی بار (۲۰۱۱) به مطالعه داستان‌های گروه سنی نونهال می‌پردازد. دیدگاه کاربردشناسی شناختی تجزیه و تحلیل عملکردهای ذهنی دخیل در ارتباطات انسانی است که از تعبیر معنا در بافت در پی حل چالش دیدگاه کاربردشناسی و دیدگاه شناختی در تعمیم نتایج برآمده است. برای تحلیل کتاب‌های مورد مطالعه، ابتدا جملات هر کتاب برای بررسی استخراج و دسته‌بندی شدند. در ادامه هر جمله بر اساس دیدگاه کاربردشناسی شناختی بار (۲۰۱۱) از بعد استاندارد و غیراستاندارد بررسی شد. بدین ترتیب، طبق دیدگاه مزبور عناصر ارتباط غیراستاندارد نیز جملات هر کتاب از بعد تعامل غیرکلامی، بهره‌برداری، فریب دادن و عیب و نقص که پیش‌تر توضیح داده شدند. مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفتند. در این پژوهش، برای بررسی و تحلیل محتوای کتاب‌های معرفی شده و جملات آنها از چک لیست تحلیل محتوا استفاده شد (جدول ۱). با توجه به ماهیت پژوهش حاضر که از نوع تحقیق کیفی است، تحلیل‌ها به شیوه تفسیری صورت گرفته و از جداول و نمودارهای توزیع فراوانی در هر گروه سنی و هر کتاب برای نمایش نتایج استفاده شده است.

جدول ۱: نمایی از چک لیست مورد استفاده

نوع ارتباط	توزیع فراوانی	دسته‌بندی تعامل	
غیراستاندارد	-	تعامل غیرکلامی	کتاب جمله اول
		وارون‌گویی	جمله دوم
		فریب	



نام کتاب	انتشارات	نویسنده/مترجم
۱. صبح بخیر	۱. انتشارات	۱. سوزانه
خرگوش	موسسه پژوهشی	برنز/مریم اخگری
کوچولو	تاریخ ادبیات	۲. ماریون
۲. شیر	کودکان	بیله/علی عباسی
کوچولوی	۲. انتشارات	۳. ماریون بیله/علی
عصبانی	موسسه پژوهشی	عباسی
۳. پلنگ	تاریخ ادبیات	
کوچولوی	کودکان	
شیطون	۳. انتشارات	
	موسسه پژوهشی	
	تاریخ ادبیات	
	کودکان	

## ۴- یافته‌های تحقیق

با توجه به اینکه فرایند ارتباط غیراستاندارد شامل چهار بعد است، یافته‌های تحقیق به صورت مجزا برای هر یک توضیح داده شده و در نهایت جمع‌بندی شده‌اند.

## تعامل غیرکلامی

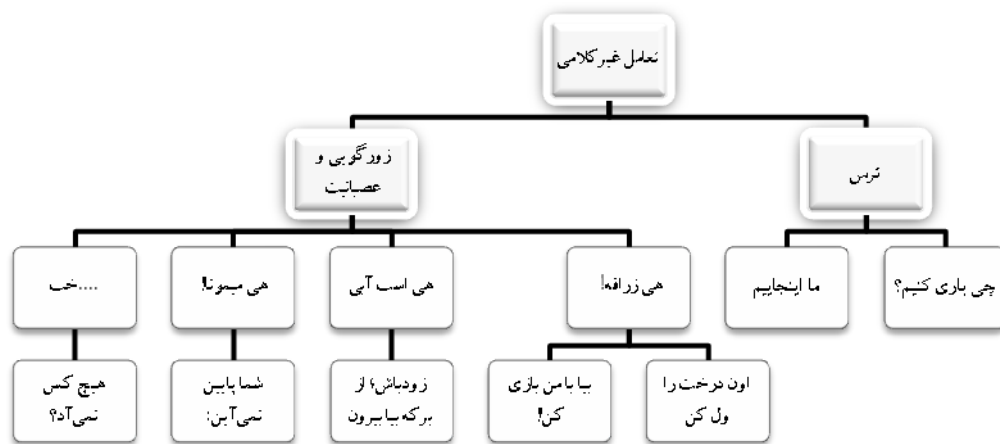
تعامل غیرکلامی، استفاده از مطلبی بدون قصد بیان حالت ذهنی مربوط به آن است؛ این بدان معناست که گوینده بدون ادای جمله‌ای به صورت صریح، منظور خود را به شنونده انتقال می‌دهد. بررسی این عنصر در داستان «شیر کوچولوی عصبانی» نشان می‌دهد که نویسنده از این عنصر چندین بار در داستان استفاده نموده است (شکل ۲). جایی که شیر ← زرافه، اسب آبی و میمون‌ها را خطاب قرار داده و بدون اشاره به عصبانیتش با استفاده از واژه‌های مملو از زورگویی، آنها را وادار به بازی می‌کند. عناصر عصبانیت، وادار کردن بقیه حیوانات به انجام کار مورد نظر، توسل به زور عناصری هستند که از طریق تعامل غیرکلامی در این داستان مشاهده می‌شوند. تمام جملات زیر در مرحله اول فرایند انتقال پیام یعنی درک عمل بیان حاکی از خط سیر غیراستانداردی است که گوینده آنها یعنی شیر کوچولو با استفاده از عنصر

تعامل غیرکلامی بدان مبادرت نموده و انتظار دارد که مخاطبان وی یعنی زرافه، اسب آبی و میمون آن را شناسایی نمایند.

- (۱) هی زرافه! ← مرحله اول
- (۲) اون درخت را ول کن
- (۳) و بیا با من بازی کن
- (۴) هی اسب آبی!
- (۵) زودباش از برکه بیا بیرون
- (۶) هی میمونا!
- (۷) شما پایین نمی‌آین
- (۸) خب...
- (۹) هیچ کس نمی‌آد؟

از سوی دیگر، همان‌طور که در موارد زیر مشخص است، شنوندگان نیز با تکیه بر تعامل غیرکلامی، ترس خود را در پاسخ به گوینده، نشان می‌دهند. بدین ترتیب، پاسخ‌های تولید شده نشان می‌دهد که مخاطبان شیر کوچولو مرحله دوم فرایند ارتباطی یعنی درک معنای گفتار گوینده (شیر کوچولو) را به درستی شناسایی کرده‌اند و پاسخ‌های مطابق با آن تولید شده‌اند. به بیان دیگر، آنها معانی نهفته در گفتار شیر کوچولو را که به صورت غیرکلامی به مخاطبان منتقل شده درک نموده‌اند و فرایند برداشت، استنباط و پاسخ براساس آن شکل گرفته است. این نشان می‌دهد که گفتار شیر کوچولو به شیوه‌ای صورت گرفته که شنوندگان خط سیر غیراستاندارد را به درستی شناسایی و از آن تبعیت کرده‌اند. تعامل غیرکلامی از سوی شنوندگان در داستان شیرکوچولی عصبانی عبارتند از:

- (۱) ما اینجایم ← پاسخ به سوال شیر که حاکی از ترس و فرمان بردن از اوست؛ شنوندگان با این پاسخ به خواسته شیر پاسخ مثبت می‌دهند.
- (۲) چی بازی کنیم؟ ← فرمان بردن از شیر که حاکی از ترس است و نشان می‌دهد شنوندگان از هر آنجا شیر بخواهد تبعیت و به میل او رفتار خواهند کرد.



شکل ۲: نمودار تعامل غیرکلامی در داستان شیرکوجولو

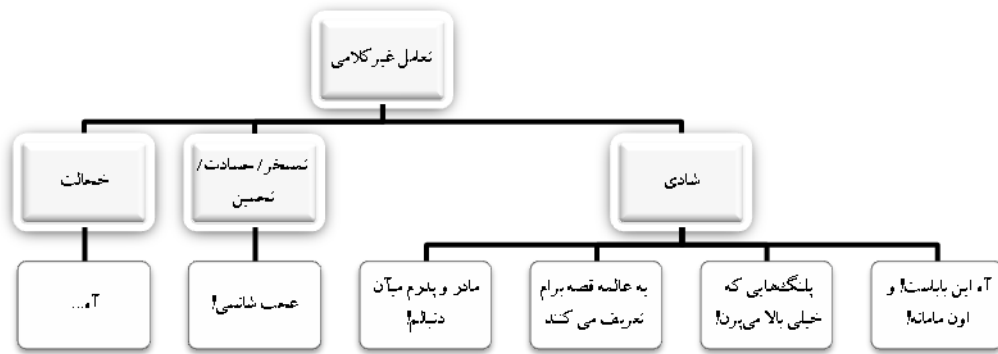
توسط وی تولید شده است یعنی عجب شانس! به وضوح مشخص نمی‌باشد که منظور وی دقیقاً چه بوده است آیا به پلنگ کوچولو که پدر و مادرش را می‌بیند حسادت کرده است یا آمدن آنها را تحسین کرده و شاید با تمسخر به پلنگ کوچولو چنین پاسخی را تولید کرده است. در چنین حالتی گسستی در فرایند انتقال پیام و ارتباط را می‌توان مشاهده کرد که اگر گوینده منظور شنونده را دریافت کند هم‌زمان هم عنصر تعامل غیرکلامی قابل ردیابی است هم به نوعی وارون‌گویی که در قسمت مربوطه بدان خواهیم پرداخت. بدین ترتیب، عناصر تعامل غیرکلامی از سوی شنونده به شرح ذیل می‌باشد؛

- (۱) عجب شانس!
- (۲) آه...!

در بخش‌هایی از داستان «پلنگ کوچولوی شیطون»، گفتارها و پاسخ‌هایی مشاهده می‌شوند که الزاماً مبتنی بر قوانین پیش‌فرض یک ارتباط و انتقال پیام استاندارد نمی‌باشند. به همین روی، می‌توان شواهدی از ارتباط غیراستاندارد را در آن یافت (شکل ۳). همانند داستان قبل، این داستان نیز بیشتر متکی بر تعامل غیرکلامی است؛ احساس شناختی یعنی شادی گوینده یعنی پلنگ کوچولو به شیوه‌ای غیر کلامی در بیانش به شنونده انتقال می‌یابد. شنونده باید در مرحله اول یعنی تولید گفتار پلنگ کوچولو به نیت وی پی برد که شادی‌اش را از آمدن والدین با حرکات و ژست‌هایی که دارد یعنی بالا و پایین پریدن نشان می‌دهد. تعامل غیرکلامی برای انتقال احساس شناختی در این داستان به شرح زیر می‌باشد.

- (۱) آه این باباست! و اون مامانه!
- (۲) پلنگ‌های که خیلی بالا می‌پرند!
- (۳) به عالمه قصه برام تعریف می‌کنند
- (۴) مادر و پدر می‌آن دنبالم

مطابق با پاسخ‌های شنونده مشخص است که وی مرحله دوم یعنی درک منظور گوینده را به‌درستی دریافت کرده و حس شادی وی را دریافته است. با این حال، در موارد واکنش شنونده به درستی مشخص نمی‌باشد؛ در پاسخی که



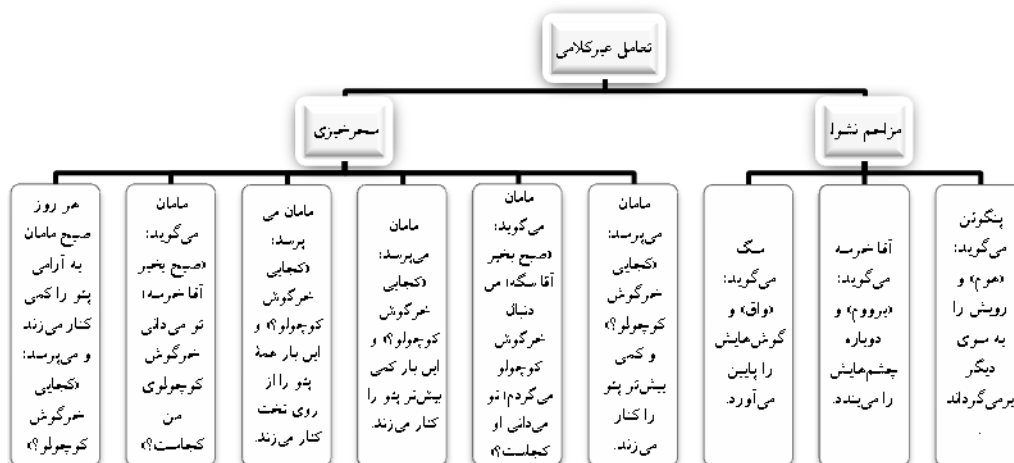
شکل ۳: نمودار تعامل غیرکلامی در داستان پلنگ کوچولوی شیطان

- (۳) صبح بخیر آقا خرسه، تو می‌دونی خرگوش کوچولوی من کجاست؟  
در مرحله پاسخ، گفتارهای شنوندگان نشان می‌دهد که آنها معنای گفتار گوینده و نیت ارتباطی وی را درک نموده‌اند و آواها و حرکتی را در واکنش بدان تولید کرده‌اند؛
- (۱) پنگوئن می‌گوید: «هوم» و رویش را به سوی دیگر برمی‌گرداند.
- (۲) آقا خرسه می‌گوید: «برووم» و دوباره چشم‌هایش را می‌بندد.
- (۳) سگ می‌گوید: «واق» و گوش‌هایش را پایین می‌آورد.

در داستان «صبح بخیر خرگوش کوچولو»، نیز گفتارها و پاسخ‌هایی مشاهده می‌شود که در انطباق با ارتباط غیراستاندارد و عناصر آن است که همانند دو داستان دیگر بیشتر با تعامل غیرکلامی همخوانی دارد (شکل ۴). در مواردی که حس وقت/زمان بیداری را مادر با گفتارهایش منتقل کرده و در مواردی که پنگوئن، آقا خرسه و آقا سگ به پاسخ‌هایشان احساسی شناختی حاکی از مزاحم نشدن یا رها شدن به حال خود را انتقال داده‌اند. نویسنده این دو حس را با تعاملات غیرکلامی در درون جملات و آواهایی گنجانده است که هم در هر پنج مرحله فرایند ارتباطی قابل بررسی هستند.

(۱) کجایی خرگوش کوچولو

(۲) صبح بخیر آقا سگ، من دنبال خرگوش کوچولو می‌گردم. تو می‌دونی کجاست؟



شکل ۴: نمودار تعامل غیرکلامی در داستان صبح بخیر خرگوش کوچولو

وارون‌گویی یا استفاده ویژه از یک قانون ارتباطی معمولاً برای کسب تأثیری گویا و متفاوت استفاده می‌شود، مثلاً

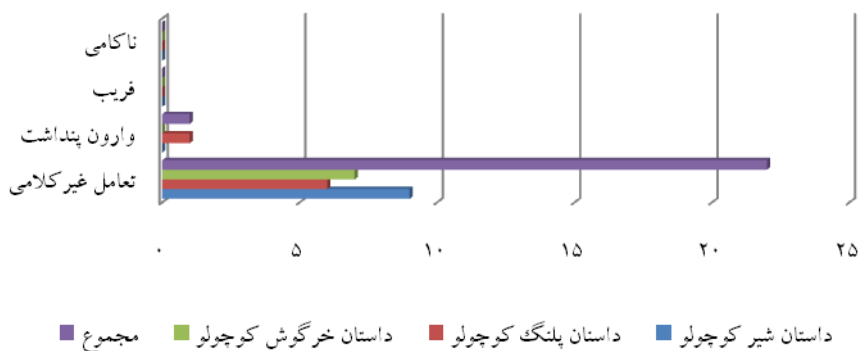
وارون‌گویی، فریب و ناکامی

استفاده از طنز در گفتار. در تحلیل محتوای داستان‌های «شیر کوچولو» و «صبح بخیر خرگوش کوچولو» هیچ شواهدی از استفاده از این قانون مشاهده نمی‌شود. در این دو داستان هیچ‌کدام از جملات و پیام‌های منتقل شده در بین شخصیت‌های داستان در تضاد با معنای واقعی جمله نبوده به‌طوری که در انتقال پیام‌های این داستان، زنجیره استاندارد انتقال پیام‌ها تغییری نداشته است؛ به‌ویژه در مرحله دوم یعنی مرحله درک معنای گفتار گوینده که احتمال بروز وارون‌گویی بیشتر از سایر مراحل است، خط سیر ارتباط برقرار شده بین شخصیت‌های این دو داستان وارون‌گویی را نشان نمی‌دهد. اما در داستان «پلنگ کوچولو»، پاره گفتارهایی مشاهده می‌شود که معنایشان متفاوت از معنای ظاهری آنهاست و براساس اشتراکات دو شخصیت بوده است؛ به بیان دیگر گفتار «عجب شانسی»، گفتاری کنایی است به معنای فراتر از معنای ظاهری داشته است و رمزگشایی آن نیازمند اشتراکی بین دو مخاطب است که مخاطب خارجی به دلیل عدم اطلاع از آن منظور گفتار را به درستی درک نخواهد کرد؛ آیا هدف تحسین، تمسخر یا حسادت بوده است؟ منظوری که دریافت آن مستلزم اطلاع از اشتراکات بین گوینده و شنونده است. مطابق با پیشینه تحقیق، وارون‌گویی به کار رفته از نوع ساده بوده و به احتمال زیاد، شنونده منظور گوینده را سریعاً درک کرده و مستقیماً از گفتار به هدف اصلی می‌رسد. وارون‌گویی پیچیده زمانی است که شنونده برای درک منظور گوینده باید استنباط‌ها یا برداشت‌های متفاوتی نماید.

فریب همان‌طور که در پیشینه توضیح داده شد، نقض آگاهانه بازی رفتاری مشترک است. به بیان ساده، گرچه گوینده می‌داند که باید به شیوه‌ای مشخص عمل نماید تا

قوانین را رعایت کند، وی عملی را انجام می‌دهد که شنونده را به این باور برساند که انتقال پیام به حالت عادی با رعایت قوانین در حال انجام است. گوینده گفتاری را بیان می‌دارد گرچه خود آن را باور ندارد، قصد ارتباطی وی آن است که شنونده آن را میان‌شان مشترک بداند. بررسی محتوای سه داستان مورد مطالعه نشان می‌دهد گویندگان در این داستان‌ها از این عنصر ارتباطی استفاده نموده‌اند. اصطلاح ناکامی نیز در مفهوم کلی آن برای نشان دادن مواردی به کار می‌رود که انتقال پیام به‌درستی صورت نمی‌گیرد. در کاربردشناسی شناختی، گوینده و شنونده هر دو از آنچه رخ می‌دهد مطلع بوده و وقوع آن را می‌پذیرند. ناکامی در انتقال پیام را می‌توان تلاشی نافرجام در تأثیرگذاری پیام بر شنونده دانست. مشابه با عنصر فریب، ناکامی نیز در هیچ‌یک از داستان‌های مورد مطالعه مشاهده نمی‌شود.

آنچه که از بررسی داستان‌های گروه سنی نونهال براساس دیدگاه کاربردشناسی شناختی می‌توان دریافت آن است که نویسندگان عمدتاً به طریق غیرکلامی سعی در انتقال احساساتی دارند که کودکان تجربه می‌کنند. مطابق با عناصر ارتباط غیراستاندارد غلبه با تعامل غیرکلامی است که با ۲۲ بار تکرار ۹۵/۶۵ درصد از کل عناصر ارتباط غیراستاندارد مشاهده شده در سه داستان مورد بررسی را دربرمی‌گیرد. این درحالی است که عناصر فریب و ناکامی در هیچ یک از سه داستان مورد بررسی مشاهده نمی‌شود و وارون‌گویی نیز فقط ۱ بار (۴/۳۴٪) به کار رفته است (شکل ۵).



شکل ۵: فراوانی عناصر ارتباط غیراستاندارد در داستان‌های مورد بررسی

## ۵- بحث و نتیجه‌گیری

نتایج همسو با نظریه کنش‌گفتاری است که بر تأثیر گفتار بر شنونده حتی به صورت غیرهدفمند تأکید دارد؛ مطالعه استارک و همکاران (۱۹۹۳) بر مبنای این نظریه در بررسی ارتباط در کودکان از زمان تولد تا نه ماهگی نشان‌دهنده تأثیرگذاری سیستماتیک نوع ارتباط بر کودکان است. بدین ترتیب که ارتباط در گروه نونهال بیشتر به صورت غیرکلامی است که بیان‌کننده مقصود معنایی از طریق آواها، حرکات و اشارات می‌باشد. رفتار ابتدایی کودکان نیازمند یک قالب کاری اجتماعی در زبان است؛ با پی بردن به اینکه می‌شود از ترکیب ارتباطات غیرکلامی و آوایی به چه چیزهایی دست یافت، کودکان به طبع بهتر یاد می‌گیرند که چگونه تعاملات کلامی و شفاهی را در سال دوم زندگی هدایت کنند. مهارت‌های ارتباطی از بعد زبان‌شناسی، علوم شناختی و اجتماعی چند وجهی شده‌اند، رشد آنها وابسته به رشد همه این دامنه‌ها است و به جای تلاش بر گسترش قواعد در نتیجه رشد ارتباطات ابتدایی، باید به دنبال توسعه این دامنه‌ها نیز بود و پرسید که این سه چگونه برای شکل‌دهی به ارتباطات کودک گرد هم می‌آیند؟ رشد مهارت‌های ارتباطی نتیجه کنار هم قرار گرفتن این دامنه‌هاست.

تحلیل داستان‌ها حاکی از آن است که سنجش رفتارهای ارتباطی غیرکلامی مثل اشاره، توجه یا انتقال احساسات نیازمند روشی اصولی جهت آگاهی از نتایج رشد زبان است. ارزیابی‌های مرسوم در زبان کمتر به ارتباط غیرکلامی

پرداخته‌اند و مباحث این حیطه چندان به رشد زبان توجه نداشته‌اند. این درحالی‌است که سنجش اصولی و منظم ارتباط غیرکلامی مخصوصاً برای کودکان نونهال که در آغاز یادگیری زبان هستند، نقش مهمی دارند زیرا داستان‌ها نقش بیشتری نسبت به آنچه در ظاهراً ارائه می‌دهند، در رشد مهارت‌های زبانی و ارتباطی کودکان ایفا می‌کنند (کورچسنهو همکاران، ۲۰۱۵؛ بلوم و همکاران، ۲۰۲۱). معیارهای غیرکلامی ارتباط شامل طیف گسترده‌ای از آموزه‌های اجتماعی و احساسی است که قابل تفکیک از داستان‌ها نیستند و کودک از آنها برای رفتارها و تعاملات اجتماعی و شخصی استفاده خواهد کرد. این نتیجه همسو با مطالعه لاندا (۲۰۰۷) است که رشد اجتماعی و ارتباطی کودکان را در هم‌تئیده با ارتباطات زبان‌شناختی ارزیابی می‌کند. علاوه بر این، گوش فرادادن به داستان‌ها به رشد مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی (زارعی و صفری، ۱۳۹۸) کودک خارج از تماس مستقیم با محیط غیراجتماعی کمک نموده که سبب رشد توانایی کودک در طبقه‌بندی موضوعات و رویدادهای جهان فیزیکی شده و در نهایت به استدلال و استنباط در مورد آنها کمک می‌کند. با این وجود، سیر تکاملی این رشد و عملیات شناختی به واسطه پیدایش مهارت‌های اجتماعی مختلف، نیاز به مطالعه بیشتری دارد (فلول، ۱۹۶۶).

نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که چه عناصر شناختی در داستان‌های ترجمه شده انتقال می‌یابند و مترجم با حضور در الگوی ارتباطی از زبان مبدا به مقصد (ساسانی و اینانلو،

می‌تواند با این شناخت، ارتباط مؤثرتری با مخاطب زبان مقصد (محمدی، ۱۴۰۱) به‌ویژه مخاطبان خاص یعنی کودکان برقرار نماید. همان‌طور که اشاره شده ارتباط در چهارچوب رویکرد مورد بررسی به دو گونه استاندارد یا غیراستاندارد شکل می‌گیرد. فرایند ارتباطی استاندارد با توالی پنج‌مرحله‌ای شکل‌گیری واکنش‌های ارتباطی به پیش می‌رود که مطابق با بیانات پاسخ‌ها و واکنش‌ها شکل گیرد. اما همان‌طور که تحلیل داستان‌ها نیز نشان داد در فرایند ارتباطی همیشه نمی‌توان انتظار داشت که توالی پنج مرحله‌ای شکل گیرد بلکه در بیشتر موارد، ارتباطات در قالب غیراستاندارد شکل گرفته و کودکان در این فرایند غیراستاندارد با عناصر ارتباطی متفاوتی به‌ویژه در بعد انتزاعی آشنا می‌گردند. علاوه‌براین، فرایند ارتباطی غیراستاندارد شامل چهار بعد اصلی است؛ تعامل غیرکلامی یعنی استفاده از مطلبی بدون قصد بیان حالت ذهنی مربوط به آن، بهره‌برداری یعنی استفاده ویژه از یک قانون ارتباطی برای کسب تأثیری گویا و متفاوت از آنچه معمولاً وابسته به آن قانون است، مثلاً طرح طنز، فریب یعنی تلاش جهت انتقال یک حالت ذهنی که در حقیقت حاصل نشده است، ناکامی یعنی تلاش ناموفق برای کسب یک اثر مطلوب گویا. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در قالب فرایند ارتباطی غیراستاندارد بسیاری از عناصر انتزاعی و احساسی در بعد غیرکلامی به کودکان انتقال می‌یابند. تحلیل حاضر نشان می‌دهد که در داستان‌های مورد مطالعه عناصر شناختی همچون عصبانیت، شادی، توسل به زور، ترس، شیطنت و ... در قالب ارتباط غیراستاندارد و به شیوه غیرکلامی به کودکان منتقل می‌شوند. کودکان با مطالعه این داستان‌ها با رفتارهای ارتباطی متفاوتی آشنا شده و تحت تأثیر داستان‌ها، در دنیای واقعی از آنها تقلید خواهند نمود. بنابراین، نویسندگان و مترجمان کتاب‌های داستان کودکان باید به عناصری که به شیوه غیرکلامی از طریق داستان‌ها به کودکان انتقال می‌یابند توجه داشته باشند؛ زیرا آموزش‌هایی که بدین شیوه از طریق داستان‌ها به کودکان انتقال می‌یابند، سبب

شکل‌گیری رفتارهایی خواهند شد که در تعاملات اجتماعی در دنیای واقعی، کودکان از آنها استفاده خواهند کرد.

### فهرست منابع

- انصاری، پریا و فرزاد، عبدالحسین (۱۳۹۷). ارائه شاخص‌های مطلوب بازنویسی و داستان‌گزینی آثار حماسی در ادبیات کودک و نوجوان با تأکید بر شاهنامه فردوسی. *پژوهشنامه ادب حماسی*، ۱۴ (۲)، ۵۰-۱۳.
- امیری خراسانی، احمد و صدری زاده، نگین (۱۳۹۷). بررسی تحول مخاطب در ادبیات پایداری کودک و نوجوان براساس نظریه خواننده نهفته ایدن چمبرز. *نشریه ادبیات پایداری*، ۱۰ (۱۸)، ۵۲-۲۵.
- خسرونژاد، مرتضی (۱۳۸۶). تاملی بر هم‌نشینی ادبیات کودک و فلسفه در برنامه فلسفه برای کودکان. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۲۰ (۶)، ۱۲۴-۱۰۹.
- زارعی، فخری و صفری، جهانگیر (۱۳۹۸). تحلیل محتوا و فرم داستان به کی سلام کنم با رویکرد جامعه‌شناختی. *فصلنامه پژوهشنامه ادبیات داستانی*، ۸ (۲۶): ۴۸-۲۳.
- ساسانی، فرناز و مه‌کامه، اینانلو (۱۴۰۱). شگرد افعال گذشته در کدبرگردانی ترجمه رمان پرنندگان می‌روند در پرو می‌میرند اثر رومن گاری. *پژوهشهای زبان‌شناختی در زبانهای خارجی*، ۱۲ (۱)، ۹۴-۱۱۰.
- شیرازی‌عدل، مهرناز و ساسانی، فرهاد (۱۳۹۲). دیدگاه از منظر زبان‌شناسی شناختی و کاربرد آن در تحلیل متن داستانی. *فصلنامه جستارهای زبانی*، ۱ (۱۳)، ۶۵-۸۷.
- محمدی، علی محمد (۱۴۰۱). تحلیلی بر راهبردهای مترجم شفاهی هم‌زمان ایرانی براساس نظریه معادل‌های ترجمه، مطالعه گفتمان‌نماهای استنباطی و توالی. *پژوهشهای زبان‌شناختی در زبانهای خارجی*، ۱۲ (۱)، ۱۳۲-۱۵۲.
- میرکرمانشاهی، مهرانگیز (۱۳۸۳). سیر موضوعی ترجمه در کتابهای داستان کودکان و نوجوانان طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۷۱. *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی.
- Anolli, L., Ciceri, R., & Infantino, M. G. (2000). Irony as a game of implicitness: Acoustic profiles of ironic communication. *Journal of Psycholinguistic Research*, 29(3), 275-311.
- Bara, B. G. (2011). *Cognitive pragmatics: The mental processes of communication*. MIT Press, United State.

pragmatic approach. *Digital library of the faculty of arts, Masaryk University*, 40(1), 149: 173.

Morgan, J. (1990). Comments on Jones and on Perrault. In Philip R. Cohen, Jerry Morgan, & Martha Pollack (eds.), *Intention in communication*, 189–193. Cambridge MA: MIT Press.

Mundy, P., Sigman, M., Kasari, C., & Yirmiya, N. (1988). Nonverbal communication skills in Down syndrome children. *Child development*, 235-249.

Sawyer, C. B., & Willis, J. M. (2011). Introducing digital storytelling to influence the behavior of children and adolescents. *Journal of Creativity in Mental Health*, 6(4), 274-283.

Schmid, H. (2011). *Cognitive pragmatics*. Vol. 4. Walter de Gruyter. Retrieved from; [https://www.anglistik.uni-muenchen.de/personen/professoren/schmid/schmid\\_publ/cognitive-pragmatics.pdf](https://www.anglistik.uni-muenchen.de/personen/professoren/schmid/schmid_publ/cognitive-pragmatics.pdf)

Sperber, D., & Wilson, D. (1995). Précis of relevance: Communication and cognition. *Behavioral and brain sciences*, 10(4), 697-710.

Stark, R. E., Bernstein, L. E., & Demorest, M. E. (1993). Vocal communication in the first 18 months of life. *Journal of speech, language, and hearing research*, 36(3), 548-558.

Stein, N. L. (1978). How children understand stories: A developmental analysis. *Center for the Study of Reading Technical Report; no. 069*.

Tomasello, M. (2009). *Why we cooperate*. Cambridge MA: MIT Press.

Vlăduțescu, Ș. (2014). Communication failure as communication power. *International Letters of Social and Humanistic Sciences*, (07), 8-13.

Blume, J., Wittke, K., Naigles, L., & Mastergeorge, A. M. (2021). Language Growth in Young Children with Autism: Interactions Between Language Production and Social Communication. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 51(2), 644-665.

Bucciarelli, M., Colle, L., & Bara, B. G. (2003). How children comprehend speech acts and communicative gestures. *Journal of pragmatics*, 35(2), 207-241.

Buller, D. B., Burgoon, J. K., Daly, J. A., & Wiemann, J. M. (1994). Deception: Strategic and nonstrategic communication. *Strategic interpersonal communication*, 191-223.

Courchesne, V., Meilleur, A. A. S., Poulin-Lord, M. P., Dawson, M., & Soulières, I. (2015). Autistic children at risk of being underestimated: school-based pilot study of a strength-informed assessment. *Molecular Autism*, 6(1), 1-10.

Darmawan, F., & Piliang, Y. A. (2015). Assess Irony Communication of Susilo Bambang Yudhoyono through Political Cartoon. *Arts and Design Studies*, 28, 11-16.

Febriantini, W. A., Fitriati, R., & Oktaviani, L. (2021). An analysis of verbal and non-verbal communication in autistic children. *Journal of Research on Language Education*, 2(1), 53-56.

Flavell, J. H. (1966). Role-taking and communication skills in children. *Young Children*, 164-177.

Grice, P. (1989). *Studies in the Way of Words*. Harvard University Press.

Horn, L. R., & Ward, G. L. (2004). *The handbook of pragmatics*. Oxford: Blackwell.

Isbell, R., Sobol, J., Lindauer, L., & Lowrance, A. (2004). The effects of storytelling and story reading on the oral language complexity and story comprehension of young children. *Early childhood education journal*, 32(3), 157-163.

Kecskes, I. (2000). A cognitive-pragmatic approach to situation-bound utterances. *Journal of pragmatics*, 32(5), 605-625.

Landa, R. (2007). Early communication development and intervention for children with autism. *Mental retardation and developmental disabilities research reviews*, 13(1), 16-25.

Lewis, C. C., & George, J. F. (2008). Cross-cultural deception in social networking sites and face-to-face communication. *Computers in Human Behavior*, 24(6), 2945-2964.

Molek-Kozakowska, K. (2014). Coercive metaphors in news headlines: A cognitive-